

تصمیمات محاکم

تصمیم دیوان عالی تمیز بر نقص

در مورد تبرئه متهم قاچاق اشیاء ممنوع

بموجب ماده ۳۹ قانون قاچاق مصوب ۱۳۱۲ -
در مورد قاچاق اشیاء نمیکه ورود یا صدور آن بموجب قوانین
ممنوع است علاوه بر ضبط مال مرتکبین به پرداخت دو
برابر بهای آن و حبس تادیبی از دو ماه تا دو سال محکوم
خواهند شد .

بموجب قسمت اخیر ماده ۴۵ قانون مزبور -
مقصود از قاچاق اشیاء ممنوع وارد کردن اشیاء ممنوع
الورود بچاک ایران است در هر نقطه از کشور که اشیاء
مزبور کشف شود .»

طبق ماده (۱) قانون فروش اجناس ممنوع مصوب
شهریور ۱۳۱۴ - اداره کل تجارت میتواند فروش اجناسی
که مجاز بوده و بعداً ممنوع شده یا بشود منحصر بمراکزی
نماید که تحت نظارت و بازرسی دولت باشد و به تجار
دارنده آن اخطار میکند که در مدت معین اجناس را به
مرکز فروشی که معین میشود تسلیم نماید .

بموجب ماده (۲) همین قانون - اجناسی که پس
از مدت مقرر در اعلان تسلیم نشود نزد هر فروشنده یافت
شود قاچاق محسوب و ضبط و طبق قانون مرتکبین قاچاق
تعقیب خواهند شد

طبق ماده واحده مصوب ۲۷ - اسفند ۱۳۱۵ - قسمت
دوم از ماده ۴۵ قانون مجازات قاچاق شامل مواردی نیز
میباشد که اشیاء ممنوع را اشخاص در داخله کشور برای
تجارت یا کسب و با علم باینکه ممنوعاً وارد شده نقل و
انتقال نموده یا واسطه در آن امر شوند .

کسی بانهام ارتکاب قاچاق اجناس ممنوع از
لحاظ عدم پرداخت جریمه بموجب قرار مستنطق توقیف

و متهم عرضحال برائت بمحکمه داده و با تطبیق عمل با
نماده ۳۹ قانون مجازات مرتکبین قاچاق و توجه بماده ۴۵ آن
قانون پرداخت صدسی بصدور دولت و ۸ روز حبس تادیبی
محکوم شده - محکوم علیه استیناف خواسته محکمه
استیناف در ۱۳/۱۲/۱۵ حکم بدایت را (بنوان عدم
شمول مورد) فسخ و حکم برائت متهم را داده است اداره
گمرک از حکم مزبور تمیز خواسته - دیوان عالی تمیز شعبه
۲ در حکم شماره ۱۴۰۹/۹۹۴۸ مورخ ۲۲/۶/۱۶ چنین
رای داده است :

«اعتراف خواستار تمیز اداره گمرک غرب» بر
حکم مورد درخواست خلاصه آنکه (باظهار صریح متهمه
به اینکه اجناس مکشوفه را از اشخاص ناشناسی برای
فروش و دلالتی گرفته و بر فرض که خود او وارد کننده
آن اجناس نباشد طبق قانون مصوب ۱۶ شهریور ۱۳۱۴
عمل او جرم و طبق قانون مرتکبین مستحق مجازات
خواهد بود) بالنتیجه از لحاظ جرم بودن عمل منتسب
بمتهمه بر حکم مزبور وارد است زیرا محکمه استیناف
باستناد اینکه ماده ۴۵ قانون مجازات مرتکبین قاچاق
منحصراً راجع به اشخاصی است که وارد کننده اشیاء
ممنوعه بداخل باشند و شامل عمل متهمه نخواهد بود
حکم تبرئه او را صادر کرده در صورتیکه مطابق تفسیری
که بموجب ماده واحده مصوب ۲۷ اسفند ۱۳۱۵ در قسمت
دوم ماده ۴۵ بعمل آمده منظور از ماده مزبوره غیر این
معنی بوده و حکم آن شامل اشخاصی نیز میشود که اشیاء
ممنوع الورد را در داخله کشور برای تجارت یا کسب

وارد شده مخالف قانون محسوب و بموجب ماده ۴۳۰ اصول محاکمات جزائی با تفاق آراء نقض و ختم امر به شبهه دوم محکمه مزبور رجوع میشود.

با علم باینکه ممنوعاً وارد شده نقل و انتقال دهند با واسطه در آن امر شوند بنابراین حکم محکمه استیناف غرب مبنی بر عدم شمول حکم ماده مزبور بعمل انتسابی به متهم بر فرض ثبوت علم او باینکه اجناس مکشوفه ممنوعه

تصمیم دیوان عالی تمیز بر نقض

در مورد مجازات تقاضای ثبت ملک مشاع زیاده بر سهم خود

ثبت استفاده میشود منظور قانون گذار این است که در امر ثبت تفاوت حقیقی از کسی نشود و در این مورد مدعی خصوصی بموجب حکم محکمه حقوق بحق ادعائی نائل گردیده لذا تعقب جزائی مورد نداشته.

هر چند اعتراض او وارد نیست زیرا اولاً بر فرض که حکم محکمه حقوق در این قبیل موارد در محاکم جزائی قابل اسناد نباشد در این مورد محکمه جنائی در حکم خود مستقلاً بحکم محکمه حقوق استناد نکرده بلکه بطوریکه در حکم مزبور اشعار شده تحقیقاتی را که از مطالعه این در ضمن جریان محاکمه حقوقی بعمل آمده و همان تحقیقات مبنای حکم محکمه حقوق نیز واقع شده بوده مورد استناد خود قرار داده است و با این کیفیت اساساً اعتراض اول مورد نخواهد داشت ثانیاً نائل شدن مدعی خصوصی بحق خود بوسیله صدور حکم در محکمه حقوق موجب عدم تعقیب جنبه جزئی نخواهد بود لیکن اعتراض دوم درخواست کنندنده تمیز باین نتیجه بر حکم محکمه جنائی وارد است زیرا ماده استنادیه (ماده ۱۰۹ قانون ثبت اسناد) ناظر بمواردی است که کسی نسبت به ملکیکه مستقلاً در تصرف غیر است برخلاف حقیقه و واقع خود را متصرف قلمداد و آنرا مورد تقاضای ثبت قرار بدهد و شمول حکم ماده مزبور بچنین مواردی که ملک مشاعاً مابین عدّه مشترک بوده و هر یک مقداری از آن را مشاعاً در تصرف داشته اند و مالکیت و تصرف متهم نیز در قسمت اکثر از آن نحو اشته مورد تصدیق سایر شرکاء بوده و اختلاط آنها فقط در چند سهم بوده که بالاخره نظر باین بودن سهام مورد تقاضای ثبت شرکاء از سهام واقعی

بموجب ماده ۱۰۹ قانون ثبت اسناد - هر کس نسبت به ملکیکه در تصرف دیگری بوده خود را متصرف قلمداد کرده و تقاضای ثبت کند کلام بر دار محسوب میشود کسی با اتهام جعل و تزویر در اسناد رسمی و تقاضای ثبت ملک غیر مورد تعقیب پار که بدایت واقع و محکمه جنائی متهم را در قسمت اول بعنوان متهم ثبوت تبرئه و نسبت بقسمت دوم با احراز دل انتسابی طبق ماده ۱۰۹ قانون ثبت و ماده ۲۳۸ قانون مجازات متهم را بیش از ماه حبس تأدیبی محکوم نموده.

محکوم علیه از حکم مزبور تمیز خواسته - شعبه (۲) دیوان عالی تمیز در حکم شماره ۹۹۸۶ ر ۱۴۴۱ مورخ ۱۶/۶/۲۷ پس از رسیدگی چنین رأی داده است:

(۱) اعتراضات در خواست کنندنده تمیز بر حکم محکمه جنائی خلاصه عبارت است از

۱ - مستند حکم محکمه جنائی حکم محکمه حقوق است در حالیکه آن حکم فقط از نقطه نظر حقوقی و ابطال مؤثر خواهد بود و اصولاً قابل اسناد در محکمه جرایم نبوده است -

۲ - ماده ۱۰۹ قانون ثبت اسناد که مستند حکم محکمه جنائی واقع شده ناظر بمواردی است که رأساً متصرفی خود قلمداد و تقاضای ثبت آنرا بنماید و شالی چنین موردیکه اختلاط در جزئیات سهام شرکاء ملک بوده و محکمه حقوق هم از این نقطه نظر رسیدگی کرده نخواهد بود و محکمه جنائی خود مکلف بوده بامر تصرف رسیدگی نماید.

۳ - بطوریکه از مواد ۱۱۱ و ۱۱۲ و ۱۱۴ قانون

جزای دیگر بعمل انتسابی بموجب ماده ۴۳۰ اصول
محاکمات جزائی حکم محکمه جنائی نقض و طبق
شق ۳ ماده ۴۵۸ اصول مزبور این نقض بلا ارجاع
است . .

ماتک مطبق مقررات قانون و نظامات ثبت اسناد قضیه در
محکمه حقوقی طرح و منتهی بصدور حکم قطعی شده
معلوم نیست لذا از لحاظ عدم شمول ماده مزبوره وقوانین

تصمیم دیوان عالی تمیز برابر ام

راجع باینکه ماده ۲ الحاقی اصول محاکمات جزائی شامل
موردی که در قانون تکلیف خاصی برای آن معین شده نمیشود

تحتیف طبق ماده ۴۵ او را بیک ماه حبس تأدیبی محکوم
کرده است

مدعی العموم استیناف بر حکم مزبور اعتراض تمیزی
کرده - دیوان عالی تمیز شعبه (۵) در حکم شماره
۱۴۲۹ / ۹۰۹۶ مورخ ۱۶ / ۶ / ۲۵ پس از رسیدگی چنین
رأی داده است :

«اعتراض مدعی العموم دیوان جزا این است که با آنکه
محکمه متهم را مرتکب دو عمل (توهین بمأمور دولت
تمرد و مقاومت) دانسته با استناد بماده ۱۶۱ قانون مجازات
عمومی برای او منحصرآ از جهت تمرد و مقاومت تعیین
مجازات کرده و این بر خلاف ماده ۲ الحاقی اصول
محاکمات جزائی است که تاریخ تصویب آن از تصویب ماده
استناد به محکمه مؤخر است و این اعتراض وارد نیست زیرا ماده
مزبور بجای ماده ۳۲ و ۳۳ قانون مجازات عمومی تصویب
شده و شامل مواردی که در قانون تکلیف خاصی برای او مقرر
شده نمیشود و چون از سایر جهات نیز اشکال مؤثری
در حکم ممیز عنه بنظر نرسید با تعلق آراء ابرام
می شود . .

بموجب شق (۳) ماده ۱۶۰ قانون مجازات -
مجازات تمرد غیر مسلح نسبت بمأمورین دولت در حین
انجام وظیفه حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال
خواهد بود .

بموجب ماده ۱۶۲ قانون مزبور - مجازات توهین
بمستخدم دولت چه در حین اجراء مأموریت و چه بسبب
آن با اشاره یا قول یا تهدید حبس تأدیبی از هشت روز تا
یکسال است .

بموجب ماده ۱۶۱ قانون نامبرده - اگر متهم
در موقع تمرد مرتکب جرم دیگری هم گردد اگر مجازات
آن جرم اشد از مجازات تمرد باشد بمجازات آن جرم و
اگر نه بمجازات تمرد محکوم میشود .

کسی بجرم مقاومت و توهین و تمرد نسبت به اسبان
در محکمه جنحه با استناد ماده ۱۶۰ و ۱۶۲ از جهت تمرد
بسه ماه حبس و از جهت توهین به هشت روز حبس تأدیبی
محکوم شده بر اثر استیناف مقیم محکمه استیناف عمل را
مشمول ماده ۱۶۰ و ۱۶۲ ندانسته و با تطبیق عمل با ماده
۱۶۱ آن قانون در حدود شق (۳) از ماده ۱۶۰ و رعایت

تصمیم دیوان عالی تمیز بر نقض

در مورد تبرئه متهم بقاچاق اسلحه و اینکه عدم تجدید جواز اسلحه

در حکم قاچاق است

بممالک و یا صادر کردن از آن یا خرید یا فروش و یا
حمل و نقل و یا مخفی کردن و یا نگاه داشتن آن است در

بموجب ماده ۴۵ قانون مجازات مرتکبین قاچاق
مصوب ۱۳۱۲ - مقصود از قاچاق اسلحه وارد کردن

داخله ملک.

کسی بعنوان آنکه تفنگ شکاری بدون جواز داشته مورد تعقیب در محکمه جنحه واقع میشود - محکمه پس از رسیدگی از لحاظ اینکه برای آن تفنگ يك مرتبه جواز گرفته شده و شهر بانی میداندسته است که تفنگی بمشخصات مذکور در جواز نزد متهم موجود است و تفنگ داشتن او مخفی و محرمانه نموده عنوان قاچاق را صادق ندانسته و متهم را از جرم قاچاقی اصلاح تبرئه کرده لیکن از جهت تجدید نکردن جواز مطبق نظامنامه مصوب مهر ماه ۱۳۱۱ (راجع باینکه اگر دارنده اصلاحه جواز را تجدید نکند جواز سابق باطل است) او را متخلف تشخیص داده و بهفت روز حبس تکدیبری محکوم نموده و مدعی العموم از حکم مزبور استیناف خواسته - محکمه استیناف حکم تبرئه متهم را از جرم قاچاقی بهمان لحاظ که در حکم بدایت ذکر شده تأیید کرده با اتمار باینکه نسبت

بحکم تکدیبری چون کسی از آن شکایت نکرده موردی برای اظهار نظر نیست - مدعی العموم استیناف تمیز خواسته - دیوان عالی تمیز شعبه (۵) پس از رسیدگی در حکم شماره ۹۸۷۶۱۴۰۰ مورخ ۱۶/۶/۱۸ چنین رأی داده است .

گذشته از اینکه نظر محکمه استیناف در امساک از رأی دادن در قسمت حبس تکدیبری بلحاظ اینکه متهم از آن شکایت استینافی ننموده متکی بمدرک قانونی نیست اساساً تخصیص دادن ماده ۴۵ قانون مجازات مرتکبین قاچاقی که نگاهداشتن اصلاحه را قاچاق شمرده بصورتیکه سابقاً جوازی راجع بان صادر نشده باشد ببدلیل است و ظاهر ماده این مورد را هم شامل میشود و اعتراض مدعی العموم استیناف وارد بنظر میرسد و حکم ممیز عنه با استناد بماده ۴۳۰ قانون اصول محاکمات جزائی باتفاق آراء نقض میشود

تصمیم دیوان عالی تمیز بر ابرام

در مورد عدم اعتبار رسمی اقلامی که از دفتر هادی سابق

وارد دفتر پلمپ شده میشود

ابرازی در محکمه حاکی است عین اقلام مرقوم در صورت حساب مدرکیه از دو صفحه فوق الذکر دفتر کهنه که دارای پلمپ نیست نقل بدفتر پلمپ شده مارالذکر گردیده است و حتی بعد از تاریخ پلمپ شدن دفتر جدید بازم در دفتر کهنه پلمپ نشده بشرح صورت حساب مذکور در صفحه ۴۵ اقلامی وارد و درج شده چون طبق ماده ۱۴ قانون تجارت و ماده ۱۲۹۷ قانون مدنی دفتر تاجر در دعوی بر تاجر در صورتی دارای اعتبار و سندیت است که طبق قانون تجارت تنظیم شده باشد در این مورد بطوری که ذکر شده صورت حساب مدرکیه منتقل از دفتر بدون پلمپ و تصدیق بنتهائی دارای اعتبار و سندیت نبوده و نمیتوان تنها باستناد آن مدعی شایمهارا ملزم بادای مدعی به نمود بنابراین مستأنف علیه محکوم ببطالان دعوی است) محکوم علیه تمیز داده - دیوان عالی تمیز شعبه (۱) در

تاجری باستناد دفتر پلمپ شده بر دو نفر دعوی مبلغی بعنوان طلب اقامه کرده - محکمه بدایت باستناد صورت استخراجی از دفتر مزبور طبق ماده ۱۸۷ قانون آزمایش که دفاتر رسمی تاجر را در معاملات تجارتهی نسبت بتاجر دیگر مقبر شناخته و اینکه تکدیبری نسبت بدفتر پلمپ شده اظهار نشده مدعی تلیمها را محکوم برداخت مدعی به در حق مدعی کرده - محکوم تلیمها استیناف داده - محکمه استیناف پس از رسیدگی چنین رأی داد است : (بطوریکه از صورت حساب مدرکیه مستأنف علیه و دفاتر ابرازی مشار الیه در محکمه مملوم میشود گرچه اقلام مذکوره در صورت حساب مزبور از صفحه ۱۶ دفتر کل مدعی پلمپ شده در تاریخ اول اردیبهشت ۳۰۹ مطابق ۲۱ ذیحجه ۱۳۴۶ استخراج شده لیکن بطوریکه در همان صورت تصریح گردیده و صفحه ۱۶ و ۴۵ دفتر کهنه مدعی مزبور و دفتر طلب و قرض ۱۳۰۷

حکم شماره ۱۲۸۸ از ۱۳۶۲ مورخ ۱۴-۶-۱۶ چنین رأی داده است :
(چون مزینیکه قانون تجارت برای دفاتر پلمپ شده از حیث اعتبار و سندیت بِنفع صاحبش قرار داده بر حسب مفاد مواد مربوطه آن نسبت به معاملات است که بعد از تاریخ پلمپ شدن طبق ترتیب مقرر در وفاتر لازم قانونی

قید شده باشد و چون نقل معاملات قبل از پلمپ از دفتر غیر رسمی بدفتر کل پلمپ شده دارای ترتیبات مقرر در مواد مربوطه نیست لذا برای ندرجات دفاتر عادی سابقه نمیتوان بمحض نقل بدفتر رسمی مزین مذکور را قائل شده بلکه فقط دارای همان آثاری است که در دفاتر سابقه در زمان وقوع و قید معامله داشته است بنابراین حکم مورد استدعا تمیز موجهاً صادر و باتفاق مبرم است)

تصمیم دیوان عالی تمیز
در مورد تاثیر جزائی سند عادی

بموجب ماده ۱۱۷ اصلاحی ثبت اسناد - هر کس بدوجب سند رسمی یا عادی نسبت بعین یا منفعت مالی خواه منقول و خواه غیر منقول حقی بکسی دهد و بعد نسبت بهمان حق بموجب سند رسمی معامله یا تمهیدی معارض باحق مزبور بنماید جانش در اسناد رسمی محسوب و بحسب با اعمال شاقه از سه تا ده سال محکوم میشود .
کسی در پار که بدایت بعنوان انتقال یکدانک ملک باسند غیر رسمی بکسی و بعد انتقال شدانت آن ملک باسند رسمی بکسی دیگر تعقیب شده - مستنطق بعنوان آنکه ورقه غیر رسمی دشاء اثر در محاکم و مقامات رسمی نیست با موافقت مدعی العموم قرار منع تعقیب متهم را صادر کرده و محکمه شعبه (۵) استیناف قرار مزبور را تأیید کرده و حکم قطعی شده است .

اصول محاکمات جزائی تقاضای رسیدگی و نقض حکم برای حفظ قانون میشود .
دیوان عالی تمیز شعبه (۲) در حکم شماره ۱۲۰۴ ۹۵۴۴ مورخ ۲ - ۶ - ۱۶ پس از رسیدگی چنین رأی داده است :

(چون در این قضیه قرار صادر از ناحیه مستنطق دایر بمنع تعقیب جزائی متهم بدین شرح «نظر باینکه این قبیل معاملات از خرداد ۱۳۱۱ میلادی بوسیله اسناد رسمی انجام که مطابق ماده ۴۸ قانون ثبت در شهر این صورت اوراق غیر رسمی در هیچیک از ادارات و محاکم قابل قبول نخواهد بود . . . لذا قرار منع تعقیب متهم صادر می گردد»

صحیح و قانونی نبوده زیرا سندیت اوراق معاملات فقط به اسطه استفاده کامل در ادارات دولتی و محاکم نیست و بورقه غیر رسمی که تاحدی قابل ترتیب اثر است بر هر تقدیر سند عادی اطلاق میشود و لو در محاکم طبق مقررات مورد رسیدگی واقع نگردد لذا معامله مورد اتهام از این جهت مشمول ماده ۱۱۷ قانون ثبت و قرار مستنطق دایر بمنع تعقیب جزائی متهم باسناد مزبور و بالنتیجه حکم استینافی دایر به تأیید آن قرار که اساساً مبنی بر همین نظر بوده مخالف ماده مزبور محسوب و

مدعی العموم تمیز باین استدلال تقاضای رسیدگی تمیزی کرده نظر باینکه قرار منع تعقیب متهم در این مورد باسناد قابل ترتیب اثر نبودن ورقه انتقال نامه غیر رسمی و تأیید آن در محکمه استیناف مخالف ماده ۱۱۷ اصلاح قانون ثبت اسناد بشمار مزبور زیرا ورقه غیر رسمی موضوع اتهام بر هر تقدیر سند عادی فی الجمله قابل ترتیب اثر محسوب میشود هر چند در محاکم حقوقی طبق مقررات مورد رسیدگی واقع نشود و از این جهت مسورد مشمول ماده مذکور خواهد بود بنابراین طبق ماده ۴۶۴ قانون

بموجب ماده ۴۳۰ اصول محکات جزائی با تفاق آراء
نقض میشود و چون این نقض در اثر تقاضای مدعی العموم

کمال و برای حفظ قانون است طبق شق ۵ از ماده ۴۵۸
اصول محاکمات جزائی بلا ارجاع خواهد بود .

تصمیم دیوان عالی تمیز

در مورد دعوی زوجه نسبت به عین ترکه

مزبوره بوده نیز غیر مؤثر است زیرا این حق بطوریکه
ذکر شده مستقیماً باعیان تعلق نگرفته خاصه آنکه این
دعوی بمنزله اعتراض مثبت هم نیست که احتمال سقوط
دعوی عین و فوت استفاده از اعیان (باصورت امتناع از
قیمت) برود بنا بر این تشخیص محکمه بدایت در این
قسمت صحیح وارد دعوی مدعی بموقع بوده و حکم مستأنف
عنه نتیجه تأیید میشود - محکوم علیه از حکم مزبور
تمیز داده - شعبه (۳) دیوان عالی تمیز در حکم شماره
۱۲۰۰/۱۳۴۳۳ مورخ ۱۶/۶/۶۲ پس از رسیدگی چنین
رای داده است :

(با در نظر گرفتن مفاد اعتراضات مدعی تمیز
و با اینکه طرح دعوی با استناد قوانین مربوطه به ارث
شده و در واقع مورد مطالبه مدعی مقدار حقی است که
قوانین مزبوره برای او مقرر داشته و نظر باینکه ماده
۹۴۸ قانون مدنی امکان اکتفاء حق زوجه را از اعیان
اجازه داده و امتناع از تادیه هم بهر تقدیر ولو بانکار
وراثت یا سایر ایراداتی که مدعی علیه در مرحله بدوی
نموده در این مورد تحقق یافته تأیید رای محکمه بدایت
در مرحله استینافی مخدوش است و طبق ماده ۳۴۰ با تفاق
اراء نقض و رسیدگی به شعبه دیگر استیناف مرکز
ارجاع میگردد

طبق ماده ۹۴۷ قانون مدنی - زوجه از قیمت ابنیه
و اشجار ارث میبرد و نه از عین آنها .
طبق ماده ۹۴۸ قانون نام برده - هرگاه در مورد
ماده قبل ورثه از اداء قیمت ابنیه و اشجار امتناع کنند
زن میتواند حق خود را از عین آنها استیفاء نماید
کسی بدعوی حق ارث بعنوان آنکه مورث او
زوجه مورث مدعی علیه بوده مطالبه عین ملک از ترکه
کرده محکمه بدایت مدعی را در مطالبه از عین ترکه
محکوم به بیحقی کرده - محکمه استیناف حکم بدوی را
بدین استدلال تأیید کرده است (اعتراضات مدعی بر
تشخیص محکمه وارد نیست زیرا بمقتضای ماده ۹۴۶ و
۹۴۷ قانون مدنی زوجه در مقام وراثت فقط استحقاق
قیمت اعیانی را داشته و مقدم بر مطالبه عین مستقیماً حق
مطالبه قیمت را داشته است و عنوان امتناع وراثت هم از
تادیه قیمت با استناد ماده ۹۴۸ قانون مزبور موضوع استفاده
برای مدعی مستأنف نبوده چه امتناع وراثت از تادیه قیمت
اعیانی موقعی صادق و محقق است که مطالبه قیمت از طرف
ذبحق شده و استحقاق مدعی هم ثابت و مهذا برای تادیه
حق او طرف حاضر شده باشد و در این مقام این مقدمات
بعمل نیامده که استحقاق نسبت بعین حاصل نموده باشد و
همچنین عنوان اینکه اعیان مورد تعلق حق از نظر ماده

تصمیم دیوان عالی تمیز

راجع باینکه شبیه بودن ازارکان جعل نیست

در محکمه جنائی واقع و پس از رسیدگی چنین رأی
داده است (آنچه از اقراریه متهم که قرائن بر صحت آن

کسی که با اتهام جعل يك ورقه حواله بنام ارباب خود
و دریافت پول بر اثر شکایت مدعی خصوصی مورد تعقیب

موجود است بدست میاید این است که متهم دستور ساختن مهر و نوشتن ورقه بحکاک و محرر داده و اما اینکه دستور داده باشد که مهری که کننده میشود به مهر از باب شبیه باشد یا خطی که نوشته میشود بخط کسی شبیه باشد معلوم نیست و چون شبیه سازی و تقلید از ارکان جعل است لذا در اینجا عنوان جعل صادق نیست و قضیه صرفاً کلاه برداری است و با تطبیق عمل بر ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی محکوم است بشت ماه حبس تأدیبی و چون بیش از این میزان در توقیف احتیاطی یوده باید مستخلص شود (مدعی العموم استیناف از حکم مزبور تمیز داده - دیوان عالی تمیز شعبه (۵) در حکم شماره ۷۰۵۶۱۱۹۴ مورخ ۱۳۱۶/۶/۱۳ پس از رسیدگی چنین رأی داده است :

(شبیه سازی و تقلید اگر در بعضی موارد مثل جعل اسکناس با جعل شیر و خورشید نشان دولتی و امثال آن از چیز های معروف نزد همه کس لازم دانسته شود برای آن است که با عدم شباهت عنوان ساختن آن شیئی صادق نمی آید نه از باب آنکه شبیه سازی بطور کلی از ارکان جعل است و در این مورد نظر بانک بر حسب ادعا نامه قبض حواله بانزده ریال از طرف خسرو به عنوان اسمعیل ساخته شده بنحوی که همان اثری که از يك حواله واقعی انتظار میرفت از این حواله هم حاصل شده یعنی وجه پرداخته شده دیگر تردیدی در صدق عنوان جعل بريك چنین عملی باقی نمی ماند و اعتراض مدعی العموم استیناف بر حکم ممیز عنه وارد بنظر میرسد و حکم ممیز عنه باتفاق آراء نقض میشود . . .

تصمیم دیوان عالی تمیز در مورد سرقت از خویشان نسبی و سببی

بموجب ماده ۲۲۷ مکرر قانون مجازات عمومی مصوب شهریور ماه ۱۳۱۲ تعقیب متهم بسرقت در مورد ماده ۲۲۶ و ۲۲۷ در صورتی که متهم با مدعی خصوصی قرابت نسبی تا درجه سوم و یا سببی تا درجه دوم داشته باشد با گذشت مدعی خصوصی موقوف میشود اگر چه میزان مال بیش از ۱۵۰ ریال باشد .

کسی با اتهام دو فقره سرقت مورد تعقیب مدعی العموم بدایت واقع و محکمه جنحه پس از رسیدگی و ثبوت اتهام متهم بدو فقره سرقت و داشتن دو سابقه محکومیت مؤثر او را طبق مواد ۲۲۶ و رعایت ماده ۲۴ و ۲۵ با رعایت تخفیف بدو مرتبه يك سال حبس با اعمال شاقه محکوم نموده است .

مدعی العموم و متهم از حکم مزبور استیناف خواسته - محکمه استیناف از جهت آنکه شکایتی از پدر متهم در پرونده بنظر محکمه نرسیده و در این مورد که مدعی خصوصی پدر متهم است بر طبق ماده ۲۲۷ مکرر تعقیب متهم منوط بشکایت پدر بوده محکوم متهم جنحه را تسخیر

و تعقیب او را ذر قسمت سرقت از خانه پدرش موقوف و در قسمت دیگر بمناسبت دو فقره سابقه محکومیت با رعایت ماده ۴۵ مکرر او را بیک سال حبس تأدیبی محکوم کرده است . مدعی العموم از حکم مزبور تمیز خواسته - شعبه (۵) دیوان عالی تمیز در حکم شماره ۱۱۸۲۶۷۰۹ مورخ ۱۳۱۶/۶/۱۳ پس از رسیدگی چنین رأی داده است :

(مستفاد از ماده ۲۲۷ مکرر قانون مجازات عمومی این است هر گاه مدعی خصوصی با متهم بسرقت قرابت نسبی و سببی با درجاتی که در آن ماده مصرح است داشته باشد تعقیب متهم مزبور با گذشت مشارالیه موقوف میشود و در این مورد اعلم از اینکه مدعی خصوصی عیال پدر متهم باشد یا پدر مشارالیه گذشتی از آنها در پرونده عمل مشهود نمیشود و استنباط محکمه باینکه متهم بسرقت مال پدر در صورتی قابل تعقیب است که صاحب مال شکایت کرده باشد بيمورد و اعتراض مدعی العموم بحکم ممیز عنه وارد بوده حکم مزبور با استناد ماده ۴۳۰ قانون اصول محاکمات جزائی باتیان آراء نقض میشود . . .)

تصمیم دیوان عالی تمیز

در مورد تشخیص تاجر بودن معسر ورد یا قبول عرضحال اعیان

بموجب ماده ۳۳ قانون اعیان مصوب آذر ۱۳۱۳ از تاجر عرضحال اعیان پذیرفته نمیشود تاجری که مدعی اعیان باشد باید مطابق مقررات قانون تجارت عرضحال توقف بدهد.

کسی بمدعی به اعیان از تساریه محکوم به در محکمه بدایت اقامه دعوی نموده محکمه بر اثر ایراد مدعی علیه با استناد ماده ۳۳ بمنوان تاجر بودن مدعی عرض حال را رد کرده محکوم علیه استیناف داده محکمه استیناف پس از رسیدگی چنین رای داده (نظر باینکه از محتویات دوسیه مربوط بدعوی اصلی و بیانات طرفین از سواد حکم محکمه استیناف اصفهان که مستانف داده محقق است که مستانف کاراژ دار و متصدی حمل و نقل بوده و نظر باینکه طبق قانون تجارت کسانی که تصدی حمل و نقل دارند تاجر شناخته میشوند و نظر باینکه این محکوم به که در قبال آن دعوی اعیان شده ناشی از معامله اتومبیل و عمل تجاری است که در موقع کاراژ داری مشارالیه واقع گردیده دعوی اعیان از چنین کسی در مقابل اینگونه دین قابل قبول نیست و ماده ۳۳ قانون اعیان هم هر چند بر حسب ظاهر تصور میرود ناظر بموردی است که مدعی اعیان متلبس بتجارت باشد لیکن مستنبط از اصول کلی در موارد دیگر و ماده مزبوره بنظر این محکمه آنستکه هر گاه دین دائن از عمل تجارت و مربوط بزبان تاجر بودن مدیون باشد و لو اینکه مدیون بعداً دست از شغل تجارت کشیده باشد باید اگر مدعی عجز است عرضحال توقف به محکمه مربوطه بدهد و در این صورت حکم محکمه استیناف اصفهان مورخ ۱۲ فروردین ۱۳۱۵ که در نظیر این موضوع بطرفیت دیگری بر فسخ قرار محکمه بدایت اصفهان مبنی بر رد عرضحال اعیان مستانف صادر و بر طبق آن مستانف غیر تاجر و عرضحال اعیان او قابل رسیدگی تشخیص گردیده است با استناد تعبیری که از ماده

سابق الذکر کرده برای این محکمه که مخالف بتعبیر مزبور است مؤثر در این مقام تلقی نگردیده بالنتیجه به نظر این محکمه تشخیص محکمه ابتدائی طهران دائر بر رد عرض حال مستانف صحیح بوده و قرار مستانف عنه تایید میشود محکوم علیه از رای مزبور تمیز داده - دیوان عالی تمیز شبهه (۱) پس از رسیدگی در حکم شماره - ۱۷۰ و ۱۳۸۵۵ مورخ ۲۶ و ۱۶ ر ۱۶۷۵۲ چنین رای داده است : (هر چند دین محکوم به که مدعی اعیان و مستدعی تمیز در مقابل آن ادعا اعیان کرده همان قسم که محکمه تشخیص نموده است ناشی از معامله اتومبیل بوده و شغل مشارالیه هم قبلاً کاراژ داری و مشمول قانون تجارت بوده ولیکن با تصدیق محکمه باینکه ظاهر از ماه ۳۳ از قانون اعیان کسی است که متلبس بتجارت باشد و ظاهر از مواد مربوطه بتاجر متوقف و ورشکسته هم همان متلبس بشغل تجارت است که در امور آن وقفه حاصل شده باشد و بر حسب محتویات پرونده قضیه هم مدعی اعیان قبلاً کاراژ داری او از بین رفته و دارائی او بین طلبکارها تقسیم گردید استندال محکمه محضار تایید قرار مستانف عنه دائر بر رد عرضحال اعیان باینکه دین محکوم به ناشی از امور تجاری بوده و مستنبط از اصول کلی و ماده ۳۳ هم آنستکه اگر دین ناشی از تجارت و مربوط بزبان تجارت باشد و لو اینکه بعداً از شغل تجارت دست کشیده باشد بنظر صحیح نمیرسد چه با فرض اینکه فعلاً تاجر نیست و تجارت او از بین رفته و مالی نداشته باشد و عرفاً نمیتوان آنرا تاجر گفت موردی برای عرض حال توقف و تشریفات لازمه و متفرعات ملحقه بان از قبیل توقیف متوقف و غیره باقی نیست تا اینکه مکلف بتقدیم عرضحال توقف باشد علیهذا قرار مورد استدعای تمیز بر خلاف ظاهر ماده ۳۳ و مواد مربوطه به قانون توقف صادر و بموجب ماده ۴۴۰ از قانون آزمایش نقض و بهمان محکمه محول میشود که رسیدگی نموده رای مقتضی بدهد)

تصمیم دیوان عالی تمیز

در مورد فسخ معامله بعنوان خیار غبن

بموجب ماده ۴۱۶ قانون مدنی - هر يك از متعاملین که در معامله غبن فاحش داشته باشد بعد از علم به غبن میتواند معامله را فسخ کند .

کسی با استناد ماده مزبور و بمدرکیت قباله فروش خانه و تصدیق خبیره و اظهار نامه فسخ بر خریدار خانه در محکمه بدایت بعنوان فسخ معامله بواسطه غبن طرح دعوی کرده - محکمه بدایت پس از رسیدگی و شنیدن دفاع مدعی علیه که طبق همان قباله کلیه خسارات از خیار غبن و غیره اسقاط گردیده - از نظر آنکه در قباله تمام خیارات مخصوصاً خیار غبن ساقط گردیده ادعای اینکه (معامله غبن بوده و قید اسقاط خیار غبن در سند رسمی علی الرسم و ناظر باموری بوده که قابل اسقاط در چنین عقدی بوده

باشد) مسموع نیست مدعی را در دعوی خود محکوم بپیوستگی کرده است و حکم مزبور در مرحله استینافی تقریباً بهمان دلیل که محکمه استناد کرده تأیید شده است - محکوم علیه از حکم مزبور تمیز خواسته - دیوان عالی تمیز شبهه (۴) پس از رسیدگی در حکم شماره ۱۰۵۱/۱۳۶۷۹ مورخ ۱۲/۵/۱۶ چنین رأی داده است :

(نظر باینکه حکم مورد شکایت تمیزی مطابق قانون صادر شده و اعتراض مستدعی تمیز با استناد ماده ۴۱۶ و ۴۵۶ قانون مدنی وارد نیست زیرا مورد مواد مزبور در صورتی است که بر طبق ماده ۴۴۸ خیار ساقط نشده باشد و اشکال دیگری نیز که موجب نقض باشد بنظر نمی رسد بنا بر این حکم مزبور با اتفاق آراء ابرام میشود) .

تصمیم دیوان عالی تمیز

در مورد تطبیق عمل با کلاه برداری یا خیانت در امانت

بموجب ماده ۲۳۸ قانون مجازات - هر کس به وسائل تقلبی متوسل شود برای اینکه مقداری از مال دیگری را ببرد یا از راه حیله و تقلب وجه یا سند و مانند آنها بدست آورد بحبس تأدیبی از شش ماه تا دو سال و یا بتادیبه غرامت از ۵۰۰ تا ۵۰۰۰ ریال یا بهردو مجازات محکوم میشود .

بموجب ماده ۲۴۱ - هر گاه اموال و اسباب یا نقود یا اجناس و مانند آنها بکسی داده شده و بنا بوده که اشیاء مزبور مسترد شود و آنکس آنها را تصاحب یا تلف کند بحبس تأدیبی از شش ماه تا سه سال محکوم می شود .

کسی بعنوان آنکه پولی بکسی داده و بموجب

سندی که گرفته بنا بوده هر وقت صاحب پول مطالبه کند آنکس بپردازد و حالیه چون از پرداخت خودداری دارد خیانت در امانت کرده شکایت بهار که برده و متهم مورد تعقیب واقع شده - محکمه جنحه عمل را منطبق با کلاه برداری دانسته و طبق ماده ۲۳۸ او را بپنج ماه حبس تأدیبی و تادیبه مبلغ مدعی به محکوم کرده است محکوم علیه از حکم مزبور استیناف خواسته - محکمه استیناف حکم بدوی را از جنبه عمومی تأیید کرده و از جنبه خصوصی بعنوان آنکه مدعی خصوصی وجه خود را در این ضمن دریافت داشته بوده حکم بدوی را فسخ کرده است .

محکوم علیه از حکم مزبور تمیز خواسته - دیوان عالی تمیز شبهه (۵) پس از رسیدگی در حکم شماره

۱۱۸۳ ر ۶۷۷۶ مورخ ۱۳۱۶ ر ۶۱۶ چنین رأی داده است : آنچه در نظر محکمه جنحه استیناف ثابت شده این است که متهم بیست هزار ریال از کسی گرفته و باو قبض داده که هر وقت مجل حاجتش باشد باو مسترد دارد (چنانکه طبق حکایت پرونده عمل در اتنای جریان امر دعوی

خصوصی مسترد شده است) با اینحال تعقیب جزائی او بعنوان خیانت در امانت یا کلاه برداری مورد نداشته و نظر باینکه يك چنین عملی با در نظر گرفتن مفاد سند مشمول هیچیک از مواد جزائی نیست حکم ممیز عنه با استناد بشق ۳ ماده ۴۵۸ قانون اصول مجاکات جزائی نقض (بلاارجاع میشود)

تصمیم دیوان عالی تمیز

در مورد تشخیص وحدت یا تعدد جرم

يك نفر شوهر با اتهام خیانت در امانت بشرح آنکه چند صندوق چای و چند کیسه قند از صالح آباد تحویل گرفته که در مراکز مختلف بصاحبان آن تحویل دهد و برفع خود تصاحب کرده - مورد تعقیب مدعی العموم بدایت واقع و در محکمه جنحه رسیدگی و با استناد ماده ۲۴۱ قانون مجازات عمومی (راجع بخیانت در امانت) بشش ماه حبس تأدیبی محکوم میشود .

متهم از جهت محکومیت و مدعی العموم از جهت عدم رعایت تعدد جرم استیناف داده - محکمه استیناف پس از رسیدگی حکم بدوی را فسخ و برای هر يك از چهار فقره خیانت در امانت سه سال حبس تأدیبی محکوم کرده است .

رسیدگی در حکم شماره ۱۰۵۵-۹۶۵۴ مورخ ۱۳-۵-۱۶ چنین رأی داده است :

(قسمتی از اعتراضات مستدعی تمیز بر حکم مورد استدعاء خلاصه و بالنتیجه مبنی بر بی تقصیری خود و تکذیب اظهارات شهود چون راجع بماهیت دعوی و ایراد بنظر محکمه حاکمه است بانچه از مجموع دلائل و تحقیقات استنباط نموده اصولاً قابل اعمال نظر تمیزی نخواهد بود و اعتراض دیگر مشارالیه دائر باینکه در محکمه استیناف تصدیقی خواسته تا از دفاتر اداره رانندگی و راهنمایی تصدیق بگیرد که در تاریخ ادعائی تاریخ اخذ اشیاء اصلاً بصالح آباد نرفته و محکمه از دادن تصدیق مزبور خود داری نموده بر فرض که اعطاء تصدیق مزبور از وظائف محکمه شناخته شود و چون پس از تقاضای مزبور از طرف وکیل مشارالیه این امر مورد نظر محکمه واقع و بشرح صورت مذاکرات جلسه ۱۸-۱۲-۱۵ تصدیق مزبور را محکمه اساساً مؤثر ندانسته و نظر محکمه از این حیث قابل اعتراض نخواهد بود لذا اعتراض مزبور غیر وارد و چون از جهت رعایت اصول مجاکات و تشخیص تقصیر و تعیین مجازات اشکالی که مؤثر در نقض باشد بنظر نمیرسد حکم مورد استدعاء باتفاق اراء ابرام می شود)

متهم از جهت محکومیت و مدعی العموم استیناف از جهت تعدد نبودن جرم تمیز خواسته - دیوان عالی تمیز شعبه (۲) از جهت ورود اعتراض مدعی العموم دائر باینکه اموال دفعه از گاراژ بمتهم تحویل شده و جرم واحد محسوب است حکم استینافی را نقض و رسیدگی مجدد بشعبه دیگر استیناف احواله کرده است

محکمه استیناف پس از رسیدگی متهم را بشش ماه حبس تأدیبی محکوم کرده است - محکوم علیه از حکم مزبور تمیز خواسته - دیوان عالی تمیز شعبه (۲) پس از